

آزمون ۱		امتحان درس: فارسی (۲)		نوبت امتحان: دی ماه (نیم سال اول)								
		شاخه نظری، کلیه رشته‌ها، پایه یازدهم، دوره دوم متوسطه		مدت امتحان: ۸۰ دقیقه								
ردیف	سوالات											
	الف) قلمرو زبانی (۷ نمره)											
	۱- متن زیر را بخوانید و به پرسش‌ها پاسخ دهید: «گفت: بونصر را بگوی که امروز دُرستم و در این دو سه روز، بار داده آید که علت و تب تمامی زایل شد. من بازگشتم و این چه رفت، با بونصر بگفتم. سخت شاد شد و سجده شکر کرد خدای را بر سلامت امیر و نامه نبشته آمد.» الف) «را» در جمله «بونصر را بگوی» چه نوع «رای» است؟ ب) کدام جمله در این نوشته، به صورت مجهول به کار رفته است؟ آن را بیابید و به یک جمله معلوم تبدیل کنید. پ) در این نوشته، کدام واژه نقش تبعی دارد؟ نوع نقش تبعی را بنویسید. ت) نقش واژه‌های مشخص شده زیر را بنویسید.											
۰/۲۵												
۰/۷۵												
۰/۱۵												
۰/۱۵												
	<table border="1" style="width: 100%;"> <tr> <td style="width: 50%;"></td> <td style="width: 50%;">سخت شاد شد و سجده شکر کرد.</td> </tr> <tr> <td></td> <td>در این دو سه روز بار داده آید که علت و تب تمامی زایل شد.</td> </tr> </table>					سخت شاد شد و سجده شکر کرد.		در این دو سه روز بار داده آید که علت و تب تمامی زایل شد.				
	سخت شاد شد و سجده شکر کرد.											
	در این دو سه روز بار داده آید که علت و تب تمامی زایل شد.											
۱	۲- واژه‌های زیر را ابتدا به هجاهای سازنده آنها تجزیه کنید؛ سپس صامت‌ها و مصوت‌ها را مشخص نمایید. مجنون: آفرینش:											
۱/۵	۳- معنی واژگان مشخص شده زیر را بنویسید. الف) برو؛ اگر به طوع نیاید، به اکراه برگیر و بیاور. ب) خدا داند چه افسرها که رفته ت) در پی‌آش القصه در آن مرغزار رفت بر این قاعده روزی سه چار ث) وقتی از خانه خاله‌ام بازمی‌گشتم، قوز می‌کردم و لگه می‌دویدم.											
۱	۴- نادرستی‌های املائی را در نمونه‌های زیر بیابید و درست آن‌ها را بنویسید. الف) به رود سند می‌غلطید برهم ز امواج گران، کوه از پی کوه ب) تا خویشتن را ضیعتکی هلال خردند و فراخ‌تر بتوانند زیست و ما حق این نعمت تندرستی که باز یافتیم، لختی گذارده باشیم. پ) چون یاران مولانا به آزار شمس برخاستند، شمس، ناگزیر دل از قونیه برکند و عظم کرد که دیگر بدان شهر پرغوغا باز نیاید.											
۰/۱۵	۵- املائی درست را از داخل کمانک انتخاب کنید. الف) از لحاظ آشنایی با ادبیات، سعدی برای من به منزله شیر (آقوز- آغوز) بود برای طفل. ب) سپیده فردای گنجه با نهیب و (صفیر- سفیر) گلوله‌های توپ روس باز شد.											
۱	۶- با توجه به سروده زیر، جدول را کامل کنید. «سرنشتر عشق بر رگ روح زدند یک قطره فرو چکید و نامش دل شد»											
	<table border="1" style="width: 100%;"> <tr> <td style="width: 25%;">ترکیب وصفی</td> <td style="width: 25%;">هسته</td> <td style="width: 25%;">ترکیب اضافی</td> <td style="width: 25%;">وابسته</td> </tr> <tr> <td></td> <td></td> <td></td> <td></td> </tr> </table>				ترکیب وصفی	هسته	ترکیب اضافی	وابسته				
ترکیب وصفی	هسته	ترکیب اضافی	وابسته									
	ب) قلمرو ادبی (۵ نمره)											
	۷- نوشته زیر را بخوانید و به پرسش‌ها پاسخ دهید. «من در آن اتاق کوچک و تاریک با او آشنا شدم؛ نظیر همان حجره‌هایی که خود سعدی در آنها نشسته و شعرهایش را گفته بود. خاله‌ام می‌خواند و در حد ادراک خود معنی می‌کرد، قصه‌ها را ساده می‌نمود. این تنها خصوصیت سعدی است که سخنش به سخن همه شبیه باشد و به هیچ‌کس شبیه نباشد.» الف) در این نوشته، یک تشبیه بیابید؛ سپس ادات تشبیه و مشبّه به آن را نشان دهید.											
۱												
	<table border="1" style="width: 100%;"> <tr> <td style="width: 50%;"></td> <td style="width: 50%;">تشبیه:</td> </tr> <tr> <td></td> <td>ادات تشبیه:</td> </tr> <tr> <td></td> <td>مشبّه به:</td> </tr> </table>					تشبیه:		ادات تشبیه:		مشبّه به:		
	تشبیه:											
	ادات تشبیه:											
	مشبّه به:											

۰/۱۵	ب) کدام قسمت از نوشته آورده شده، به ویژگی سهل مُمتنع بودن سبک سعدی اشاره دارد؟ ۸- در هر یک از نمونه‌های گروه «الف» کدام یک از آرایه‌های گروه «ب» وجود دارد؟ (توجه: در گروه «ب» یک آرایه اضافه است).				
۱	<table border="1"> <thead> <tr> <th>الف</th> <th>ب</th> </tr> </thead> <tbody> <tr> <td>الف) بگیر ای جوان دست درویش پیر/ نه خود را بیفکن که دستم بگیر ب) چون کار به خلقت آدم رسید، گفت: خانه آب و گل آدم من می‌سازم. پ) کمال عقل آن باشد در این راه / که گوید نیستم از هیچ آگاه ت) با بال شکسته پر گشودن هنر است/ این را همه پرنندگان می‌دانند</td> <td>تشخیص حس آمیزی متناقض نما مجاز کنایه</td> </tr> </tbody> </table>	الف	ب	الف) بگیر ای جوان دست درویش پیر/ نه خود را بیفکن که دستم بگیر ب) چون کار به خلقت آدم رسید، گفت: خانه آب و گل آدم من می‌سازم. پ) کمال عقل آن باشد در این راه / که گوید نیستم از هیچ آگاه ت) با بال شکسته پر گشودن هنر است/ این را همه پرنندگان می‌دانند	تشخیص حس آمیزی متناقض نما مجاز کنایه
الف	ب				
الف) بگیر ای جوان دست درویش پیر/ نه خود را بیفکن که دستم بگیر ب) چون کار به خلقت آدم رسید، گفت: خانه آب و گل آدم من می‌سازم. پ) کمال عقل آن باشد در این راه / که گوید نیستم از هیچ آگاه ت) با بال شکسته پر گشودن هنر است/ این را همه پرنندگان می‌دانند	تشخیص حس آمیزی متناقض نما مجاز کنایه				
۰/۱۵	۹- نام پدیدآورندگان هر یک از آثار زیر را بنویسید. الف) روزها (ب) مرصاد العباد				
۲	۱۰- بیت زیر را بخوانید؛ سپس دو بیت بعدی آن را بنویسید. گفتی ز ناز: «بیش مرنجان مرا، برو» آن گفتنت که «بیش مرنجانم» آرزوست				

۰/۱۵	<p>پ) قلمرو فکری (۸ نمره)</p> <p>۱۱- در نمونه‌های زیر، مقصود از بخش‌های مشخص شده چیست؟</p> <table border="1"> <tr> <td>در آن دریای خون، در قرص خورشید/ غروب آفتاب خویشتن دید</td> <td>دریای خون:</td> </tr> <tr> <td>هیچ حفره‌ای از حفره‌های زندگی ایرانی نیست که از جانب او شناخته نباشد.</td> <td>حفره:</td> </tr> </table>	در آن دریای خون، در قرص خورشید/ غروب آفتاب خویشتن دید	دریای خون:	هیچ حفره‌ای از حفره‌های زندگی ایرانی نیست که از جانب او شناخته نباشد.	حفره:
در آن دریای خون، در قرص خورشید/ غروب آفتاب خویشتن دید	دریای خون:				
هیچ حفره‌ای از حفره‌های زندگی ایرانی نیست که از جانب او شناخته نباشد.	حفره:				
۱	۱۲- مفهوم هر یک از متون زیر را بنویسید. الف) روس‌ها مثل مور و ملخ در پهنه شهر پراکنده شدند. ب) کرم ورزد آن سر که مغزی در اوست که دونه‌متانند بی‌مغز و پوست				
۰/۱۵	۱۳- سروده زیر را بخوانید و به پرسش‌ها پاسخ دهید: «می‌گفت، گرفته حلقه در بر / کامروز منم چو حلقه بر در گویند ز عشق کن جدایی / این نیست طریق آشنایی پرورده عشق شد سرشتم / جز عشق مباد سرنوشت کز عشق به غایتی رسانم / کاو ماند اگر چه من نمانم می‌داشت پدر به سوی او گوش / کاین قصه شنید، گشت خاموش»				
۰/۱۵	الف) در بیت سوم، چرا مجنون از خداوند می‌خواهد که او را از عشق جدا نکند؟				
۰/۱۵	ب) منظور از «این قصه» چیست؟				
۰/۱۵	پ) از نظر مجنون، غایت و نهایت عشق چیست؟				
۰/۲۵	۱۴- بیت «از شب‌نم عشق، خاک آدم گل شد/ صد فتنه و شور در جهان حاصل شد» به چه موضوعی اشاره دارد؟				
۰/۲۵	۱۵- با توجه به متن «جنگ با افکار پوسیده، دشوارتر از جنگ رو در روی جبهه‌هاست. لازمه حضور و مبارزه در هر دو جبهه، عشق است. با این تفاوت که در جبهه بیرون، شجاعت کارسازتر است و در این یک، درایت.» نویسنده کدام نوع جنگ را دشوارتر می‌داند؟ چرا؟				
۰/۷۵	۱۶- سروده‌ها و نوشته‌های زیر را بخوانید و به فارسی روان معنی کنید. الف) نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست ب) از قضای آمده، امیر کشتی‌ها بخواست و ناوی ده بیاوردند. پ) قافله‌سالار ما، فخر جهان مصطفاست ت) در همین کورمال کورمال ادبی آغاز به راه رفتن کردم. ث) و اگر حق، تعالی، را با این قالب، سر و کاری خواهد بود، در این موضع تواند بود. ج) گو، یارب از این گزاف کاری / توفیق دهم به رستگاری چ) در آن سیماب‌گون امواج لرزان / خیال تازه‌ای در خواب می‌دید				
۰/۱۵					
۰/۱۵					
۰/۱۵					
۰/۱۵					
۰/۱۵					
۰/۱۵					
۰/۱۷۵					
۰/۱۷۵					



نوبت امتحان: دی ماه (نیم سال اول)	پاسخ آزمون شماره ۱	پاسخ آزمون ۱
مدت امتحان: ۸۰ دقیقه	فارسی (۲)	

(الف) قلمرو زبانی (۷ نمره)

- ۱- الف) «را» حرف اضافه (۰/۲۵) ← (به بونصر بگوی). (ب) بار داده آید. (۰/۲۵) ← (بار داده شود). تبدیل به جمله معلوم: امیر بار بدهد. (۰/۵) / نامه نبشته آمد. (۰/۲۵) ← (نامه نوشته شد). تبدیل به جمله معلوم: امیر نامه را نوشت ← (امیر نامه را نبشت) (۰/۵) (یک مورد کافی است).
- پ) تب: نقش تبعی (۰/۲۵) - نوع: معطوف (یک مورد کافی است). ت) شاد: مسند (۰/۲۵) / تمامی: فید (۰/۵)
- ۲- مجنون: مح: م (صامت) - مصوت: ج (صامت) (۰/۲۵) / نون: ن (صامت) و مصوت: ن (صامت) (۰/۲۵)
آفرینش: ء: ء (صامت) ا (مصوت) / ف: ف (صامت) - مصوت: / ری: ر (صامت) ی (مصوت) (۰/۲۵) / نش: ن (صامت) - مصوت: ش (صامت) (۰/۵)
- ۳- الف) طوع: فرمان برداری، اطاعت، فرمانبری / به اکراه: به زور و ستم کسی را به انجام کاری واداشتن، به اجبار / ب) افسر: تاج و کلاه پادشاهان، صاحب منصب / پ) اهتزاز: افراشتن، جنبیدن / ت) مرغزار: سبزه زار، چراگاه، علفزار / ث) لگه: دولا و خمیده با سرعت رفتن، رفتاری بین دویدن و راه رفتن (هر مورد ۰/۲۵)
- ۴- الف) می غلطید: نادرست / می غلتید: درست (۰/۲۵)
ب) هلال: نادرست / حلال: درست (۰/۲۵) / گذارده: نادرست / گزارده: درست (۰/۲۵)
پ) عظم: نادرست / عزم: درست (۰/۲۵)
- ۵- الف) آغوز (۰/۲۵) ب) صغیر (۰/۲۵)
- ۶- ترکیب وصفی: یک قطره (۰/۲۵) هسته: قطره (۰/۲۵) / ترکیب اضافی: سرنشتر عشق (یا) رگ روح (یک مورد: ۰/۲۵) وابسته: عشق (یا) روح (یک مورد) (۰/۲۵)

(ب) قلمرو ادبی (۵ نمره)

- ۷- الف) تشبیه: اتاق نظیر همان حجره ها کوچک و تاریک بود (۰/۵) ادات تشبیه: نظیر (۰/۲۵) مشبّه به: حجره (۰/۲۵)
ب) این تنها خصوصیت سعدی است که سخنش به سخن همه شبیه باشد و ... (۰/۵)
- ۸- الف) کنایه (۰/۲۵) (دست گرفتن کنایه از باری کردن) / ب) مجاز (۰/۲۵) (آب و گل مجاز از جسم) / پ) تشخیص (۰/۲۵) (عقل می گوید) / ت) متناقض نما (۰/۲۵) (با بال شکسته پرواز کردن)
- ۹- الف) روزها: محمد علی اسلامی ندوشن (۰/۲۵) ب) مرصاد العباد: نجم الدین رازی (دایه) (۰/۲۵)
- ۱۰- زین همهرهان سست عناصر دلم گرفت شیر خدا و رستم دستانم آرزوست (۱)
دی شیخ با چراغ همی گشت گرد شهر کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست (۱)

(پ) قلمرو فکری (۸ نمره)

- ۱۱- دریای خون: شفق (۰/۲۵) خُفَره: سنّت ها، فرهنگ و آداب (۰/۲۵)
- ۱۲- الف) تعداد سربازان روسی زیاد بود. (۰/۵) ب) سفارش به بخشندگی (یا هر پاسخ درست دیگر: ۰/۵)
- ۱۳- الف) زیرا ذات و سرشت مجنون با عشق پرورش یافته بود و سرشته شده بود. (۰/۵)
ب) راز و نیاز مجنون با خداوند (۰/۵)
- پ) معشوق (لیلی) زنده بماند؛ هر چند عاشق (مجنون) جانش را در راه وصال از دست بدهد. (۰/۵)
- ۱۴- اشاره به آفرینش انسان (۰/۲۵)
- ۱۵- جنگ با افکار پوسیده (۰/۲۵) زیرا در جنگ رودررو با شجاعت می توان پیروز شد؛ امّا در جنگ با افکار پوسیده، درایت و تدبیر کارسازتر است. (۰/۵)
- ۱۶- الف) هیچ کس، نه غریبه و نه دوست، به فکرش نبود و با او غمخواری نکرد. (۰/۵)
ب) اتفاقاً، سلطان مسعود تعدادی کشتی خواست و ده قایق کوچک آوردند. (۰/۵)
پ) افتخار مردم جهان، پیامبر اکرم (ص) رئیس و رهبر ماست. (۰/۵)
ت) بدون داشتن استاد و معلّم ادبیات، با احتیاط به یادگیری ادبیات پرداختم. (۰/۵)
ث) و اگر خداوند بلندمرتبه با انسان ارتباطی برقرار کند یا جایگاهی بسازد، در این مکان خواهد بود. (۰/۵)
ج) (ای مجنون) بگو خدا، رهایی و نجات از این عشق بیهوده را به من عطا کن (۰/۷۵)
چ) سلطان جلال الدین به موج های سفید و نا آرام سندن نگاه می کرد (که ناگهان) فکر تازه ای به ذهنش رسید. (۰/۷۵)

